

## نامه‌های آزادی

● محمد چگینی

از میان پژوهش‌هایی که درباره‌ی انقلاب مشروطه صورت گرفته، منابع معدودی وجود دارد که اهمیت و کارکرد روزنامه‌ها در صدر مشروطه را به ما بشناساند. کتاب صور اسرافیل، نامه‌ی آزادی تألیف دکتر سهراب یزدانی که توسط نشر نی منتشر شده، یکی از آثار مهم درباره‌ی مطبوعات آن عصر است. مؤلف سعی کرده در این کتاب با نگاهی انتقادی به تحلیل محتوای مقالات سیاسی و اجتماعی هفته نامه «صور اسرافیل» بپردازد و شناخت اولیه درباره‌ی یکی از جنجالی‌ترین نشریات عصر مشروطه را فراهم آورد. این کتاب شامل یک پیشگفتار و ۶ فصل است و در ضمیمه آن هم مشخصات صور اسرافیل، گزیده منابع و نمایه آمده است. مؤلف در پیشگفتار به معرفی نشریه پرداخته و سعی کرده تا دو اصل را راهنمای کار خود قرار دهد: ۱- مقاله‌های صور اسرافیل را در بستر تاریخی و موقعیت زمانی نگارش آن‌ها مورد مطالعه قرار دهد؛ ۲- تا حد امکان ریشه‌های فکری نوشته‌ها را مشخص کند.

فصل اول با عنوان «پرویش در زمانه استبداد» نامگذاری شده است. آنگونه که در این فصل آمده، این نشریه دستاورد همکاری میرزا قاسم خان تبریزی، میرزا جهانگیر خان شیرازی و میرزا علی‌اکبر قزوینی (دهخدا) بود. نویسنده ابتدا به معرفی و سرنوشت این سه شخصیت پرداخته است. آنگاه در بررسی خود به این نکته اشاره می‌کند که میرزا جهانگیر و دهخدا در محضر شیخ هادی نجم‌آبادی، از روحانیون آگاه آن زمان، بهره بردند و هر دو تحت تاثیر افکار آزادی‌خواهانه‌ی او قرار گرفتند؛ به‌گونه‌ای که دهخدا «تقویت عقل خود را مدیون او [شیخ هادی] می‌داند.» (ص ۲۴) این دو نویسنده زندگی پرفراز و نشیبی را طی کردند. یکی از مباحث مهم، که مورد توجه نویسنده قرار گرفته، بحث مربوط به بایبان و ازلیان است. بسیاری از نویسندگان جهانگیرخان را منصوب به این فرقه می‌دانند. برخلاف آنانکه معتقدند اعتقادات ازلی زمینه را برای رشد اندیشه‌های آزادیخواهانه و جدید فراهم آورد، دکتر یزدانی این دیدگاه را چندان علمی و واقعی نمی‌داند و با بررسی سه کتاب ازلی به نام «بیان»، «کتاب نقطه الکاف» و «هشت بهشت» به این نتیجه می‌رسد که ازلیان هم مانند هر مکتب جزم‌اندیش دیگری، اندیشه‌های روشنگرانه و یا هر نشانه‌ای از آزاداندیشی را محکوم می‌کنند و ادعا دارند که منطق



■ صور اسرافیل: نامه‌ی آزادی

■ سهراب یزدانی

■ نشر نی، ۱۳۸۶، ۲۸۸ص

نویسنده، مقالات صوراسرافیل را به دو دسته تقسیم می‌کند: دسته‌ی نخست آن‌هایی بودند که صحنه‌ی سیاست را با دید نظری تفسیر و تحلیل می‌کردند و دسته‌ی دوم مقاله‌هایی که به‌طور مستقیم و روزنامه‌نگارانه به عرصه‌ی سیاست می‌نگریستند

## نامه آزاد

کرد. (ص ۶۷) صور، رسم رایج روزنامه‌نگاری در ایران را به هم زد و با مقالاتی که بیشتر به قلم دهخدا بودند، به نقد جامعه می‌پرداخت. حمایت از مجلس شورای ملی، تکمیل معنی مشروطیت و اصل تفکیک قوا و پشتیبانی از فقرا و روستاییان، از جمله اهداف هفته‌نامه بود. (صص ۷۸-۸۰)

محورهای اصلی فصل سوم، که با عنوان «صحنه‌ی سیاسی» نامگذاری شده، به عرصه‌ی سیاسی و موضع‌گیری صور اسرافیل در برابر آن اختصاص دارد. نویسنده مقالات این دوره را به دو دسته تقسیم می‌کند «دسته‌ی نخست آن‌هایی بودند که صحنه‌ی سیاست را با دید نظری تفسیر و تحلیل می‌کردند و دسته‌ی دوم مقاله‌هایی که به‌طور مستقیم و روزنامه‌نگارانه به عرصه‌ی سیاست می‌نگریستند». نویسنده به دنبال آن است تا عوامل تأثیر گذار بر اندیشه‌های دهخدا، نویسنده‌ی اصلی مقالات را روشن نماید که به اعتقاد ایشان عوامل زیر بیشترین اثر را بر شکل‌گیری آراء او داشت. یکم روشنفکران اروپایی: دهخدا به دنبال آن بود تا همانند روشنفکران عصر روشنگری، رابطه‌ی بین دولت و ملت را مشخص کند. او در این زمینه از مکتب اصحاب «قرارداد اجتماعی» بهره برد. اما قرارداد مورد نظر دهخدا، با نظریات روشنفکران اروپایی تفاوت اساسی داشت؛ زیرا «۱- اندیشمندان اروپایی از زمان توماس اکویناس حقوق طبیعی را از حقوق الهی جدا کرده بودند. اصحاب مکتب قرارداد پشتیبان حکومت عرفی بودند بنابراین بر قانون طبیعی تأکید داشتند نه بر قانون الهی؛ اما دهخدا حقوق انسان‌ها را بر دو پایه قرار می‌دهد و قانون الهی را خاص جوامع خاورمیانه می‌داند که گهواره‌ی ادیان بزرگ بوده است. تفاوت دوم تفسیر دهخدا در این است که برخلاف اصحاب قرارداد که قرارداد را ناظر بر رابطه‌ی بین افراد جامعه و دولت می‌دانستند، دهخدا قرارداد را برای بهبود اداره‌ی امور اجتماعی و اقتصادی و فراهم آوردن امنیت می‌داند.» (صص ۱۰۱-۱۰۲)

دومین منبع فکری دهخدا، همانند بسیاری از روشنفکران دیگر عصر قاجاری، انقلاب فرانسه بود. از نظر آنان این انقلاب نمونه‌ی تمام‌عیار انقلابی بود که همه شئون سنتی را به هم زد و نظام جدیدی بر پایه‌ی برابری و عدالت بر پا ساخت. دهخدا می‌خواست از طریق مطالعه‌ی آن به نوع رابطه‌ی دولت با ملت پی ببرد. سومین منبع فکری، سنت فلسفی غرب بود که به اعتقاد نویسنده، دهخدا در تلاش بود تا با بهره‌گیری از آراء فکری فیلسوفان غرب و انطباق آن با جامعه‌ی ایران، تحلیل جدیدی از نوع شکل‌گیری «دولت - ملت» ارائه دهد. (صص ۱۰۴-۱۰۵) او از این طریق در صور اسرافیل به تحلیل حدود و ثغور اختیار و قدرت دولت

آن‌ها بر اعتقاد به وحی استوار است و تردید در اعتبار آن‌ها کفر و ارتداد شمرده می‌شود. (صص ۳۱-۳۷) بر این اساس، میرزا جهانگیر را معتقد به دستاوردهای روشنفکری و علوم جدید می‌داند نه پای‌بندی به اصول ازلی و دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی او را اندیشه‌ها و مکاتب دیگری شکل دادند که در آیین ازلی پیدا نمی‌شود.

مطلب مهم دیگری که از ذهن نقاد نویسنده دور نمی‌ماند، اندیشه‌ی سوسیالیستی بنیانگذاران نشریه است. وی در تحلیل خود دیدگاه برخی نویسندگان درباره‌ی حزب سوسیال دمکرات قفقاز و سازمان همت را به چالش می‌کشد و این ایده که سوسیال دمکرات‌های روس شاخه همت را برای مسلمانان تشکیل دادند رد می‌کند؛ زیرا ایدئولوژی آن‌ها با هم تفاوت اساسی داشت. هر چند همت در تأسیس اجتماعین عامیون ایران مشارکت داشت، اما شاخه‌ی نظامی اجتماعین از انقلاب گرفته شد. سوسیالیسم ایرانیان تلفیقی از بینش نارودنیکی، سوسیالیسم غیرمارکسیستی اروپایی و سوسیال دموکراسی روسی بود. در بین اجتماعین تهران، نام گردانندگان صور اسرافیل هم به چشم می‌خورد و این احتمال وجود دارد که میرزا قاسم و جهانگیر که با تقی‌زاده رابطه‌ی نزدیکی داشتند از بنیان‌گذاران این حزب باشند. (صص ۳۹-۴۷)

در فصل دوم، نویسنده قصد دارد شیوه‌ی ظهور صور اسرافیل را تشریح کند. فصل با مختصری از تاریخچه‌ی مطبوعات و سیر روزنامه‌نگاری در ایران آغاز می‌شود. با این که انقلاب مشروطه صفحه‌ی جدیدی در تاریخ مطبوعات ایران گشود، اما از تحلیل نویسنده می‌توان به این نکته پی برد که روزنامه‌نگاری هم مانند عرصه‌ی سیاست در اختیار قشر سنتی بود و دولت‌ها همه تمام توان خود را به کار می‌بردند تا مطبوعات را تحت سیطره‌ی خود درآورند.

بر همین اساس، مخبرالسلطنه، وزیر علوم، در سال ۱۲۸۶ روزنامه‌نگاران را «نویسندگان مغرض» می‌دانست که «هرکدام سر به جایی سپرده‌اند.» (ص ۶۳) در صدر انقلاب، صحنه‌ی سیاسی به جولانگاه سیاستمداران سنتی تبدیل شده بود و با آمدن امین‌السلطان زنگ خطر برای گروه روشنفکران تندرو که عموماً با اجتماعین در ارتباط بودند، به صدا درآمد. به همین علت، هنگامی که آن‌ها مشروطه را در خطر دیدند، به فکر نشر روزنامه افتادند و این گونه بود که نخستین شماره‌ی «صور اسرافیل» در ۹ خرداد ۱۲۸۶ منتشر شد. نام هفته‌نامه، زمینه‌ای دینی داشت و نماد آگاهی محسوب می‌شد و انتشار خود را با شعار «حریت، مساوات و اخوت» از شعارهای معروف انقلاب فرانسه آغاز



می‌پردازد که توسط دهخدا با عنوان «چرند و پرند» چاپ می‌شد و به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین عوامل شهرت و نفوذ صور اسرافیل این ستون بود. چون اکثریت جامعه‌ی ایران بی‌سواد بودند، چرند و پرند توانست در قالب طنز اجتماعی و سیاسی مقصود خود را جهت روشنگری به خواننده منتقل نماید. «چرند و پرند ابزاری بود برای آنکه پخش آگاهی به توده مردم را انجام دهد.» (صص ۲۰۳-۲۰۵)

نویسنده به بررسی اجمالی طنز و نقش آن در آگاه‌سازی می‌پردازد و ضمن اشاره به پیشینه‌ی طنز در ایران، به این نتیجه می‌رسد که چرند و پرند در دو مورد از طنز پیشین ایرانیان فراتر رفت: «نخست آن که دهخدا ظرفیت زبانی طنز را چنان گسترش داد که مثل و ماندی در گذشته نداشت. دیگر آن که به معنای راستین کلمه طنز را به صورت نقد سیاست و جامعه درآورد.» (ص ۲۱۰)

برخلاف پیشینیان، که طنز را محدود به سیاست کرده بودند، دهخدا در امور اجتماعی و اقتصادی هم از آن بهره برد. در چرند و پرند هیچ کس از گزند انتقادات در امان نبود. از امین‌السلطان گرفته تا افرادی مانند صنیع‌الدوله که به خوشنامی معروف بود. حتی زمینداران بزرگ و رؤسای ایلات هم در امان نماندند و طعم انتقادات را، که برایشان بسیار تلخ بود، چشیدند. تا پیش از واقعه‌ی میدان توپخانه، که به نفع مشروطه‌خواهان تمام شد، بیشتر هیأت حاکمه مورد هدف دهخدا بودند؛ اما بعد از این واقعه، پای گروهی دیگر را به میدان نقد کشید که به طبقه‌ی بالا تعلق نداشتند، بلکه از مشروطه به عنوان نردبان ترقی بهره برده و وارد دنیای سیاست شده بودند. آن‌ها افرادی ساکت و بی‌سرو صدا بودند که در مجلس لب نمی‌گشودند و در بحث‌ها شرکت نمی‌کردند. در نظر دهخدا آن‌ها با هیأت حاکمه تفاوتی نداشتند و در دسته‌بندی خود، حکومتگران را به دو دسته تقسیم می‌کند: ۱- رؤسای ملت ۲- اولیاء دولت (منظور قشر جدید). گروه نخست را به عسل و گروه دوم را به خربزه تشبیه می‌کند و چنانچه این دو با هم می‌ساختند، ملت را نابود می‌کردند. (صص ۲۳۴-۲۳۶) چرند و پرند تنها به مسائل داخلی محدود نبود و سیاست خارجی، به‌ویژه مداخلات نابه‌جای بیگانگان در امور ایران را هم مورد توجه قرار می‌داد. به گفته‌ی نویسنده، چرند و پرند منبع گرانبهایی است برای آشنا شدن با افکار انقلابی دهخدا در دوران جوانی و بدون تردید اثری که به طور اجمال معرفی شد یکی از آثار مهم برای پی بردن به این دیدگاه است.

### پی‌نوشت:

۱. برای نمونه، عباس امانت بر بسترسازی اندیشه‌های بایی برای روشنگری تأکید دارد. رک: زمینه‌های فکری انقلاب مشروطه، مجموعه مقالات ایرانیکا، ترجمه‌ی پیمان متین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳، صص ۳۶-۳۷.
۲. برای آگاهی از این دیدگاه و آشنایی بیشتر با این حزب، رک: اتحادیه، منصوره، پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت، تهران، کتاب سیامک، ۱۳۸۱، صص ۱۳۰-۱۳۸.
۳. جان لاک، توماس هابز و ژاک روسو به اصحاب قرارداد معروف بودند.

پرداخت و حملات خود را از شاه متوجه هیأت دولت و دیگر شاهزادگان نظیر فرمانفرما کرد که در نتیجه‌ی آن مدتی روزنامه توقیف شد.

**فصل چهارم** به عنوان «زمین و برابری» با تعریفی از دموکراسی لیبرال و دموکراسی سوسیالیستی آغاز می‌شود. نویسنده می‌خواهد با مشخص کردن تفاوت آن دو به انقلاب مشروطه وارد شده و اهداف مقالات صور اسرافیل در رابطه با اصلاحات ارضی را دنبال نماید. نگارنده‌ی اصلی این آثار، برای مدت طولانی به‌طور دقیق، مشخص نبود و نویسنده ضمن آوردن چند فرضیه در این مورد، به این نتیجه می‌رسد که کلیه‌ی مقالات بدون امضا درباره‌ی لزوم اصلاحات ارضی، به قلم دهخدا بوده است که به نوعی از سوسیالیزم حمایت می‌کرد. (صص ۱۲۸-۱۳۵) درحالی که بسیاری از مشروطه‌خواهان هیچ برنامه‌ای برای کشاورزان، که اکثریت جامعه را تشکیل می‌داد، نداشتند صور اسرافیل از مسائل روستا غافل نماند و رسیدگی به این طبقه را کلید موفقیت و تولید ثروت می‌دانست. «بلاشک تنها مالک بودن رعیت در آن قسمت زمین که زحمتش را بر عهده گرفته، بهترین علاج مجرب و آخرین دوی درد است.» (صص ۱۳۶-۱۴۰) دهخدا با مدد جستن از افکار عدالت‌طلبانه‌ی عصر روشنگری، قصد داشت به تحلیل جامعه‌ی دهقانی و اجحاف مالکین در حق آنان بپردازد. او برای حل مشکل، پیشنهاد می‌کند «یک بانک زراعی ملی» به‌صورت قانونی و با مدیریت خبرگان فن بانکداری تأسیس شود و زمین‌داران یک دهم اموال خود را به این بانک بفروشند و بانک این اقساط را خریده و با قیمت کمتری به کشاورزان واگذار نماید.

در **فصل پنجم** «بر خورد دو جهان» یعنی سنت و مدرنیته مورد بررسی قرار گرفته است. به اعتقاد نویسنده، صور اسرافیل از معدود روزنامه‌هایی بود که به نقد سنت و تبلیغ تجدد می‌پرداخت. در چالش بین مشروطه و مشروطه‌خواهان، جانب مشروطه‌طلبان را گرفت. انتقادات گزنده از طرفداران مشروطه و متهم نمودن آنان به ترویج خرافات، زمینه‌ساز توقیف روزنامه شد. نویسنده می‌گوید مقاله‌هایی که از شماره‌های ۶ تا ۱۲ در صور اسرافیل منتشر شدند، اندیشه‌ی تجدد را در سطح نظری مطرح کردند و آن را در برابر افکار پیش از تجدد نهادند. این ایام مصادف بود با تفاهم مشروطه‌خواهان و طرفداران مشروطه بر سر تدوین قانون اساسی و چون مشروطه‌طلبان به امتیازاتی دست یافته بودند، هفته‌نامه در برابر این تفاهم موضع‌گیری کرد و مقالاتی در انتقاد از این امر منتشر کرد. برای مدتی هویت نویسنده‌ی آن مشخص نبود، که به گفته‌ی مؤلف این کتاب، نویسنده تمام مقالات دهخدا بود. دست‌اندرکاران روزنامه برای القاء نظریات خود در باب مدرنیته، آن را در قالب دین مطرح کردند. آنان به خوبی دریافته بودند که افکار اروپایی بدون بهره‌گیری از فرهنگ دینی برای ایرانیان قابل پذیرش نبود. (صص ۱۹۶-۱۹۷) در پایان نویسنده با نگاهی مثبت به نقش صور اسرافیل در ترویج مدرنیته می‌گوید: «نوشته‌های صور اسرافیل گوشه‌هایی از اندیشه‌ی تجدد را مطرح کردند و با مسائل فکری و روشنفکری و سیاسی جامعه‌ی خود درگیر شدند و کوشیدند در جامعه فضای باز گفت‌وگو را پدید آورند.» (ص ۱۹۷)

**فصل ششم** مهم‌ترین فصل کتاب است که به بررسی مجموعه مقالاتی